

بررسی تبعات فعال سازی مکانیسم ماشه بر بخش های دریایی، بندری، فراساحلی، صنایع دریایی و کشتی سازی ایران و تفاوت این تحریم ها با تحریم های موجود از نظر تنوع، تعداد، حجم، نحوه اعمال و تاثیر آن بر فعالیت های اقتصاد دریا

صفحه 1

فشارهای ناشی از فعال سازی مکانیسم ماشه، اساساً از جنس همان تحریم ها و محدودیت هایی است که پیش از توافق برجام (۲۰۱۵) بر ایران تحمیل شده بود و پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، در قالب تحریم های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا ادامه یافته است. این فشارها، که عمدتاً شامل اختلال در جریان تجارت، عدم سرمایه گذاری خارجی، محدودیت در انتقال فناوری، مشکلات بیمه و مالی، و انزوای اقتصادی می شوند، تاکنون تأثیرات عمیق خود را بر اقتصاد ایران، به ویژه بخش های دریایی و مرتبط با آن، گذاشته اند. آنچه در این مقاله (یا خلاصه) آورده شده، گویی برای نخستین بار با چنین تحریم هایی روبرو هستیم، در حالی که واقعیت این است که تحریم های حداکثری پیشین تا حد زیادی ظرفیت آسیب رسانی خود را اعمال کرده اند. بنابراین، توصیه می شود هنگام مطالعه این متن، نیمنگاهی به این واقعیت داشته باشیم که مثلاً جایی که از «اختلال در سرمایه گذاری خارجی» سخن به میان می آید، باید یادآور شویم که ایران در حال حاضر تقریباً فاقد سرمایه گذاری خارجی قابل توجه است و این تحریم ها تنها به ادامه و تشدید این وضعیت منجر خواهند شد. در نهایت، تحریم های جدید نه تنها تأثیرات عملی پیشین را تداوم می بخشند، بلکه با ایجاد بار روانی تازه و القای ترس در دل شرکای غربی یا حتی شرکای فعلی ایران (مانند چین و روسیه که ممکن است محتاط تر شوند)، تلاش می کنند عمق آسیب ها را بیشتر کنند و انزوا را جهانی تر سازند. این رویکرد، بیش از آنکه نوآوری داشته باشد، بر پایه همان مکانیسم های قدیمی بنا شده و هدف اصلی آن، تشدید فشارهای روانی و اقتصادی موجود است.

یعنی می توان مکانیسم ماشه (Snapback Mechanism) را به عنوان یک ابزار استراتژیک برای «سفت تر کردن پیچ و مهره تحریم ها» و کسب امتیازات بیشتر از ایران تفسیر کرد. این دیدگاه نه تنها در تحلیل های سیاسی رایج است، بلکه بر پایه ساختار حقوقی و عملی برجام (JCPOA) و رفتار قدرت های غربی (به ویژه E3: بریتانیا، فرانسه و آلمان) و ایالات متحده بنا شده است. در نهایت، تصمیم به «تن ندادن به سفت تر شدن تحریم ها» یک انتخاب استراتژیک است که ایران می تواند با ابزارهایی مانند دیپلماسی، خودکفایی و اهرم های منطقه ای پیگیری کند، اما باید با محاسبه دقیق هزینه - فایده همراه باشد.

طبق اخبار، مکانیسم ماشه توسط قدرت های اروپایی (E3: فرانسه، آلمان، بریتانیا) در ۲۸ اوت ۲۰۲۵ مصادف با پنجشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴ فعال شده و تحریم های پیشین سازمان ملل را ظرف ۳۰ روز بازمی گرداند، که محدودیت های شدیدی بر اقتصاد دریایی ایران اعمال می کند، از جمله توقیف دارایی های شرکت هایی مانند خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (IRISL) و افزایش بازرسی های جهانی کشتی های ایرانی، هرچند برخی اثرات به دلیل هم پوشانی با تحریم های آمریکا محدودتر باشد.^[۱۰] بنادر مانند بندرعباس ممکن است با اختلالات ناشی از بازرسی های اجباری محموله ها و محدودیت خدمات سوخت رسانی روبرو شوند، که جریان تجارت را تحت تأثیر قرار می دهد، در حالی که کنترل استراتژیک ایران بر مسیرهایی مانند تنگه هرمز می تواند اهرم مقابله ای باشد.^[۱۱] بخش فراساحلی نفت و گاز، از جمله میدان های پارس جنوبی، با چالش های جدی مانند کاهش سرمایه گذاری خارجی، محدودیت صادرات و توقف ارتقای زیرساخت ها مواجه خواهد شد، هرچند ایران ممکن است به سمت خودکفایی یا شراکت های جایگزین حرکت کند تا برخی زیان ها را جبران نماید.^[۱۲] صنایع دریایی و کشتی سازی ایران، از جمله

شرکت هایی مانند مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ISOICO)، ممکن است با ممنوعیت های سرمایه گذاری، انتقال فناوری و دسترسی به مواد اولیه روبرو شوند، که توسعه و تعمیر ناوگان را مختل می کند، در حالی که دیدگاه ها بر پتانسیل خودکفایی داخلی تأکید دارند اما ریسک انزوای بیشتر را برجسته می کنند. [۴۱] به طور کلی، در حالی که فعال سازی می تواند انزوای اقتصادی را عمیق تر کند و تنش های منطقه ای را افزایش دهد، دیدگاه ها متفاوت است: برخی آن را عامل تشدید اقدامات تحریک آمیز ایران در حوزه دریایی می دانند، در حالی که دیگران بر فرصت های تاب آوری داخلی تأکید دارند، در میان بحث های مداوم بر امنیت انرژی جهانی. [۱۵]

در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۲۵ / ۱۴ فروردین ۱۴۰۴، گزارشی توسط گابریل نورونیا، عضو مرکز جموند برای دفاع و استراتژی (Gemunder Center for Defense and Strategy) وابسته به مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (Jewish Institute for National Security of America – JINSA) تهیه شده است که مخاطبان اصلی آن عبارتند از: [۴۲]

- دستگاه سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا (به ویژه وزارت امور خارجه، شورای امنیت ملی و کنگره)
 - دیپلمات های همسو در بریتانیا، فرانسه و آلمان (E3) جهت ایجاد هماهنگی در فعال سازی ماشه
 - تصمیم گیران و حامیان سیاست تحریم در اندیشکده ها و مؤسسات راهبردی غربی
 - همچنین رسانه های تخصصی و تحلیل گران حوزه خاورمیانه و منع اشاعه
- به طور خلاصه، این گزارش هم یک نقشه راه سیاسی-دیپلماتیک و هم یک راهنمای فنی - اجرایی است برای استفاده از آخرین فرصت موجود پیش از بسته شدن پنجره فشار چند جانبه علیه ایران.
- با توجه به اهمیت مطالب این گزارش و به منظور آگاهی کامل از اهداف و نیات غربی ها، ترجمه کامل آن در پیوست شماره ۳ ارائه شده است.

وضعیت فعال سازی اخیر

با فعال سازی مکانیسم ماشه توسط E3 در ۲۸ اوت مصادف با پنج شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴ ۲۰۲۵، یک دوره ۳۰ روزه برای مذاکره آغاز شده که عدم توافق منجر به بازگردانی تحریم ها در اواخر سپتامبر می شود، و ایران این اقدام را «غیرقانونی و غیرمنصفانه» خوانده و هشدار داده که ممکن است همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) را کاهش دهد یا حتی از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته ای (NPT) خارج شود. [۲] چین و روسیه این اقدام را محکوم کرده و اعلام کرده اند که تحریم های سیاسی شده را اجرا نخواهند کرد، هرچند این موضع ممکن است اجرای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. [۴] این فعال سازی پس از گزارش های IAEA مبنی بر عدم دسترسی به سایت های هسته ای و غنی سازی اورانیوم تا سطوح بالا رخ داده، و ایالات متحده از این اقدام استقبال کرده است. [۱۱]

تفاوت تحریم ها با موجود

تحریم های ماشه چندجانبه و الزامی برای همه اعضای سازمان ملل هستند، برخلاف تحریم های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا که توسط کشورهایی مانند چین و روسیه نادیده گرفته می شوند، و می توانند ممنوعیت های نامحدود تسلیحاتی و موشکی را

شامل شوند که تنوع و حجم بیشتری نسبت به تحریم های فعلی دارند.^[۲۰] نحوه اعمال آن ها از طریق شورای امنیت سازمان ملل است که اجرای جهانی را الزامی می کند، در حالی که تحریم های موجود اغلب ثانویه و قابل دور زدن هستند، و این می تواند تأثیر بیشتری بر اقتصاد دریا ایران داشته باشد با افزایش انزوا در تجارت غیر غربی.^[۲۳] به عنوان مثال، تحریم های ماشه می توانند بازرسی های دریایی در آب های آزاد را بدون نیاز به رأی جدید شورای امنیت الزامی کنند، در حالی که تحریم های US/EU وابسته به قوانین ملی کشورها هستند و دامنه کمتری دارند.^[۳۸]

فعال سازی مکانیسم ماشه در برجام (JCPOA) توسط قدرت های اروپایی (E3: فرانسه، آلمان، بریتانیا) در ۲۸ اوت ۲۰۲۵ مصادف با پنج شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۴، نقطه عطفی در تنش های هسته ای ایران است که تبعات عمیقی برای بخش های دریایی، بندری، فراساحلی، صنایع دریایی و کشتی سازی آن دارد.^[۳] این مکانیسم، که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (UNSCR ۲۲۳۱) گنجانده شده، تحریم های پیشین (مانند قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ و ۲۲۲۴) را به طور خودکار بازمی گرداند و از اقدامات دوجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا به اجرای چندجانبه سازمان ملل تغییر می دهد.^[۱۲] فعال سازی اخیر، که پس از عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته ای و عدم دسترسی IAEA به سایت ها رخ داده، یک دوره ۳۰ روزه برای مذاکره ایجاد کرده که عدم توافق منجر به بازگردانی تحریم ها در اواخر سپتامبر ۲۰۲۵ می شود.^[۱۰] عواقب مستقیم شامل توقیف دارایی ها، ممنوعیت های تجاری و رژیم های بازرسی است، در حالی که اثرات غیرمستقیم ممکن است شامل افزایش تنش های منطقه ای و اقدامات تلافی جویانه ایران، مانند محدودیت همکاری امنیتی دریایی در خلیج فارس یا تنگه هرمز باشد.^[۷] ایران این اقدام را «غیرقانونی و غیرمنصفانه» خوانده و هشدار داده که ممکن است همکاری با IAEA را کاهش دهد یا از NPT خارج شود، در حالی که چین و روسیه آن را محکوم کرده و اعلام کرده اند تحریم ها را اجرا نخواهند کرد.^[۲۹] این فعال سازی می تواند مذاکرات آینده را دشوارتر کند، زیرا بازگردانی تحریم ها برگشتناپذیر است بدون قطعنامه جدید شورای امنیت، و ممکن است به تشدید بحران هسته ای منجر شود.^[۲۴]

مقدمه و زمینه فعال سازی اخیر

مکانیسم ماشه، که بخشی از برجام سال ۲۰۱۵ است، به هر شرکت کننده اجازه می دهد در صورت عدم پایبندی ایران، تحریم های سازمان ملل را بازگرداند.^[۳۵] E3 در ۲۸ اوت ۲۰۲۵ این مکانیسم را فعال کرد و به شورای امنیت اطلاع داد که ایران تعهدات خود را نقض کرده، از جمله غنی سازی تا ۶۰ درصد و عدم دسترسی IAEA.^[۲۵] این اقدام پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه سایت های هسته ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵ رخ داد، که ایران حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را پنهان کرده است.^[۱۱] دوره ۳۰ روزه برای مذاکره آغاز شده، اما کارشناسان هشدار می دهند که این می تواند به درگیری های بیشتر منجر شود، به ویژه با توجه به انقضای کامل مکانیسم در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، که پس از آن تحریم ها ممکن است با وتوی چین یا روسیه مواجه شوند.^[۲۱] پیش از فعال سازی، E3 از ایران خواسته بودند مذاکرات با آمریکا را از سر بگیرد و دسترسی IAEA را فراهم کند، اما عدم پیشرفت منجر به این تصمیم شد.^[۴]

تبعات بر کشتیرانی و تجارت دریایی (پیوست ۱)

در حوزه کشتیرانی، ماشه مقررات قطعنامه ۱۹۲۹ را احیا می کند، که بازرسی کشتی های ایرانی در دریاهای آزاد (با رضایت) را الزامی می کند و سوخت رسانی برای کشتی های مشکوک را ممنوع می نماید. [۴۱] شرکت هایی مانند IRISL و NITC با توقیف دارایی های جدید روبرو می شوند، که تحریم های ثانویه آمریکا را تکمیل می کند. [۴۱] واکنش های موازی تاریخی از دوران پیش برجام نشان دهنده افزایش وابستگی به تاکتیک های فریبنده، مانند ناوگان سایه (تانکرهای قدیمی با مالکیت مبهم) و دستکاری AIS برای اجتناب از تشخیص است، روش هایی که ریسک های تصادف را افزایش می دهد و قرارگیری در معرض تحریم ها برای ذی نفعان جهانی را بالا می برد. برای مثال، صادرات نفت ایران، حدود ۱,۶ میلیون بشکه در روز، اغلب شامل چندین انتقال کشتی به کشتی در آب های مالزی، اسناد جعلی و شبکه های کارگزار پیچیده است، که ریسک های حادی برای بیمه گران و اپراتورها ایجاد می کند. [۱۱] دیدگاه های ایرانی این را به عنوان فرصتی برای تاب آوری برجسته می کند، با بهره برداری از کنترل بر تنگه هرمز - که ۳۵٪ نفت دریایی از آن عبور می کند - برای مقابله با فشارها، هرچند ریسک بی ثباتی گسترده تر را دارد. [۱۲] علاوه بر این، تحریم ها می توانند محدودیت های بیشتری بر برنامه موشکی ایران اعمال کنند، که بر تجارت دریایی تسلیحاتی تأثیر می گذارد و ریسک توقیف کشتی ها را افزایش می دهد. [۱]

پیامدها برای بنادر (پیوست شماره ۲)

بنادر، که بخشی جدایی ناپذیر از زیرساخت تجارت ایران هستند، با بازرسی های اجباری محموله در تأسیسات بین المللی مواجه خواهند شد، که عملیات را در مراکز مانند بندرعباس و بندر ماهشهر تأخیر می اندازد. [۴۱] تحریم ها بر اپراتورهای بندری می تواند خدمات مانند طبقه بندی، اجاره و حمایت مالی را محدود کند، که اثرات گذشته را تکرار می کند جایی که هزینه ها برای مدیران و خدمه افزایش یافت. [۴۱] چالش های بیمه، با ارائه دهندگان جهانی ناتوان از پوشش فعالیت های مرتبط با ایران، ممکن است وابستگی به گزینه های داخلی یا آزمایش نشده را اجبار کند، که آسیب پذیری ها را افزایش می دهد. استدلال های مخالف از منابع ایرانی پیشنهاد می کند که این می تواند خودکفایی را پرورش دهد، وابستگی به بنادر خارجی را کاهش دهد، اما به قیمت انزوای اقتصادی. علاوه بر این، ممنوعیت سوخت رسانی و بازرسی های گسترده می تواند جریان تجارت را تا حد زیادی کاهش دهد، بر اساس برآوردهای تاریخی.

چالش ها برای بخش فراساحلی نفت و گاز

صنعت نفت و گاز فراساحلی، پایه اقتصاد ایران، بیشترین آسیب را خواهد دید. [۱۱] ماشه ممنوعیت های سرمایه گذاری در سرمایه گذاری های مشترک، انتقال فناوری و صادرات را ممنوع می کند، که نهادهایی مانند شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را هدف قرار می دهد و توسعه در میدان هایی مانند پارس جنوبی و ابودر را متوقف می کند. [۱۲] صادرات، که قبلاً به چین در میان فشارهای آمریکا محدود شده، ممکن است بیشتر به دلیل مسدود شدن پرداخت ها و مشکلات بیمه حمل کاهش یابد، که منجر به کسری بودجه و ذخایر توسعه نیافته می شود. [۱۲] تحلیل SWOT نقاط قوت مانند ذخایر وسیع را برجسته می کند اما تهدیدهایی از کمبود سرمایه خارجی و دسترسی بازار، که می تواند درآمدهایی را که تا ۱۷٪ تولید ناخالص داخلی را تشکیل

می دهند، کاهش دهد. دیدگاه های ایرانی این را به عنوان فرصتی برای تنوع به صادرات غیرنفتی قاب می کند، هرچند منتقدان استدلال می کنند که بدون پرداختن به سوءمدیریت داخلی، انزوا را تشدید می کند.^[۱۳] علاوه بر این، تحریم ها می توانند محدودیت های بیشتری بر فناوری های استخراج فراساحلی اعمال کنند، که تولید گاز را تا ۱۵٪ کاهش دهد.

اثرات بر صنایع دریایی و کشتی سازی

برای صنایع دریایی و کشتی سازی، ماشه تحریم های قطعنامه ۱۹۲۹ را احیا می کند، که توقیف دارایی های IRISL و شرکت های تابعه را الزامی می نماید و خدمات سوخت رسانی را برای کشتی های مرتبط ممنوع می کند.^[۴۱] این تحریم ها بر نهادهایی مانند ISOICO و NITC تأثیر می گذارد، با ممنوعیت فروش مواد مانند فولاد، آلومینیوم و نرم افزارهای صنعتی، که توسعه و تعمیر ناوگان را مختل می کند.^[۴۱] از نظر تاریخی، تحریم ها دسترسی به بیمه بین المللی را محدود کرده و هزینه ها را افزایش داده، منجر به استراتژی هایی مانند تأسیس شرکت های خارجی یا تغییر نام کشتی ها برای دور زدن محدودیت ها شده است. دیدگاه های غربی بر ریسک های اقتصادی تأکید دارند، در حالی که منابع ایرانی بر پتانسیل خودکفایی و شراکت با کشورهای غیر غربی مانند چین تمرکز می کنند، هرچند این می تواند کیفیت و ایمنی را کاهش دهد. تکمیل این بخش: تحریم های ماشه می توانند ممنوعیت های گسترده تری بر انتقال فناوری کشتی سازی اعمال کنند، که پروژه های جدید را تا ۴۰٪ تأخیر بیندازد، بر اساس تجربیات پیشین.

تفاوت تحریم های ماشه با تحریم های موجود

از نظر تنوع و تعداد، ماشه شش قطعنامه پیشین را باز می گرداند، که تنوع بیشتری در حوزه های تسلیحاتی، موشکی و بازرسی ها دارد (مانند ممنوعیت نامحدود غنی سازی و انتقال تسلیحات)، در حالی که تحریم های موجود آمریکا و اتحادیه اروپا عمدتاً بر انرژی و بانکداری تمرکز دارند و تعداد کمتری از نهادها را هدف قرار می دهند.^[۲۸] حجم آن ها گسترده تر است زیرا الزامی برای همه اعضای سازمان ملل، از جمله چین و روسیه، ایجاد می کند، برخلاف تحریم های یکجانبه که قابل دور زدن هستند.^[۲۰] نحوه اعمال متفاوت است: ماشه از طریق شورای امنیت بدون نیاز به رأی جدید فعال می شود و اجرای جهانی دارد، در حالی که تحریم های موجود وابسته به قوانین ملی و ثانویه هستند.^[۳۲] تأثیر بر اقتصاد دریا: تحریم های ماشه می تواند تجارت با کشورهای غیر غربی را محدودتر کند، مانند صادرات ماشین آلات از روسیه، که در تحریم های آمریکا کمتر محدود است، و ریسک های بیمه و پرداخت را افزایش دهد، هرچند تأثیر اقتصادی اضافی محدود ارزیابی می شود به دلیل هم پوشانی.^[۴۱] تفاوت کلیدی دیگر: تحریم های UN شامل نظارت کمیته ۱۷۳۷ و پنل کارشناسان است، که اجرای را تقویت می کند، در حالی که تحریم های US/EU فاقد این ساختار جهانی هستند.^[۴۱]

پیامدهای گسترده تر و واکنش ها

پیامدهای گسترده تر شامل بازگردانی احتمالی تحریم های اتحادیه اروپا بر بانکداری و بیمه، که انزوا را تقویت می کند، و پاسخ های احتمالی تشدید کننده ایران مانند اقدامات تهاجمی در خلیج است. در حالی که برخی منابع پیشنهاد می کنند تأثیر افزایشی محدود به دلیل اقدامات موجود آمریکا، دیگران از آشفتگی بازار و اختلالات عرضه انرژی هشدار می دهند.^[۸] استراتژی های

کاهش برای بازیگران جهانی شامل بررسی دقیق تر، بندهای قراردادی و تأیید داده های کشتی است. ایران ممکن است در پاسخ، همکاری هسته ای را کاهش دهد یا تنش های منطقه ای را افزایش دهد، که این امر پیچیدگی های بیشتری ایجاد می کند. [۳۲]

تکمیل: فعال سازی می تواند به جنگ اقتصادی گسترده تری منجر شود، اما فرصت هایی برای دیپلماسی در دوره ۳۰ روزه وجود دارد، هرچند کارشناسان احتمال توافق را پایین ارزیابی می کنند. [۲]

جدول ۱: دسته بندی تحریم های بازگردانده شده و ارزیابی اثرگذاری بر بخش های کلیدی ایران

دسته تحریم های بازگردانده شده	بخش تحت تأثیر	مقررات کلیدی	تأثیر احتمالی بر ایران
توقیف دارایی ها و تعیین ها	کشتیرانی، بنادر و کشتی سازی	توقیف ISOICO, NITC, IRISL و اپراتورهای بندری مانند بندرعباس	اختلال عملیات، بازسازی شرکت، افزایش هزینه ها تا ۲۵٪
بازرسی ها و ممنوعیت ها	تجارت دریایی و صنایع دریایی	بازرسی محموله در بنادر/دریاهای آزاد؛ عدم سوخت رسانی برای کشتی های مشکوک	تأخیرها تا ۳۰ روز، ریسک های بالاتر توقیف، کاهش حجم تجارت تا ۲۰٪
ممنوعیت های سرمایه گذاری و فناوری	فراساحلی نفت/گاز و کشتی سازی	عدم سرمایه گذاری های مشترک، انتقال فناوری برای نفت/گاز/پتروشیمی و کشتی سازی	توقف توسعه میدان (مانند جنوب پارس) و ناوگان، تولید پایین تر تا ۱۵٪
محدودیت های بیمه و مالی	همه بخش ها	ممنوعیت بیمه/بازبیمه برای فعالیت های ایرانی	حمل های بدون بیمه، مسدود شدن پرداخت ها، حق بیمه های بالاتر تا ۵۰٪
محدودیت های صادرات و تجارت	صادرات نفت/گاز و صنایع دریایی	محدودیت فروش، بازاریابی، حمل نفت و مواد کشتی سازی	درآمدهای کاهش یافته تا ۱۰٪ GDP، وابستگی به ناوگان سایه، انزوای بازار

جدول ۲: مقایسه ساختاری و عملکردی تحریم های ماشه شورای امنیت و تحریم های یکجانبه غرب

دسته تحریم	تحریم های ماشه (UN)	تحریم های یکجانبه (US/EU)	تفاوت/اضافه
چندجانبه بودن	الزامی برای همه اعضای UN، شامل چین/روسیه	محدود به کشورها و شرکت های غربی، قابل دور زدن	اضافه الزام جهانی، افزایش انزوا حتی در آسیا و آفریقا
ممنوعیت تسلیحات	نامحدود و دائمی انتقال تسلیحات متعارف	گسترده اما یکجانبه، تمرکز روی صادرات به ایران	اضافه ممنوعیت صادرات از ایران، الزامی جهانی بدون تاریخ انقضا
برنامه موشکی	ممنوعیت کامل توسعه موشک های هسته ای محور	محدودیت های فناوری، اما کمتر الزامی	اضافه ممنوعیت بین المللی حمایت و آزمایش، با نظارت UN
بازرسی و اجرا	بازرسی محموله در دریاهای آزاد، denial خدمات	وابسته به قوانین ملی، کمتر جهانی	اضافه مکانیسم های اجرایی سازمان ملل، احیای کمیته ۱۷۳۷
هسته ای	توقف کامل غنی سازی و D&R	تمرکز روی محدودیت های فعلی، اما بدون الزام جهانی	اضافه ممنوعیت دائمی بدون تاریخ انقضا، گسترش به بازرسی های گسترده
اقتصادی/بانکی	توقیف دارایی ۴۲ فرد/۷۶ نهاد، محدودیت بانک ها	شدیدتر در US، شامل تحریم های ثانویه	محدود اضافی به دلیل هم پوشانی، اما نمادین و افزایش ریسک برای غیر غربی ها

جدول ۳: تحلیل SWOT بخش دریایی، فراساحلی و کشتی سازی ایران در شرایط تحریم

عنصر SWOT	توصیف	ارتباط دریایی/فراساحلی/کشتی سازی
نقاط قوت	ذخایر وسیع، عضویت اوپک، کنترل تنگه هرمز، ظرفیت کشتی سازی داخلی	اهرم استراتژیک در مسیرهای کشتیرانی، نفت خام با کیفیت بالا برای صادرات، پتانسیل خودکفایی در تعمیرات و ساخت محلی
نقاط ضعف	میدان های توسعه نیافته، وابستگی به درآمدهای خام، فناوری قدیمی کشتی سازی	تأخیرهای فراساحلی تا ۴۰٪، آسیب پذیر به اختلالات صادرات، محدودیت دسترسی به قطعات خارجی و فناوری پیشرفته
فرصت ها	تقاضای جهانی گاز، فشار برای خودکفایی، شراکت با چین	توسعه تجارت دریایی غیرنفتی، تقویت بیمه داخلی، ارتقای صنایع کشتی سازی محلی از طریق شراکت های آسیایی
تهدیدها	کمیوهای سرمایه گذاری، مشکلات بیمه/پرداخت، تحریم های فناوری	ریسک های ناوگان سایه و تصادفات، تولید فراساحلی کاهش یافته تا ۱۵٪، انزوای اقتصادی در کشتی سازی و تجارت جهانی

این بررسی جامع، تحلیل های غربی از ریسک های اجرایی را با تأکیدهای ایرانی بر تاب آوری و دارایی های استراتژیک متعادل می کند، و نقش مکانیسم را در پویایی های ژئوپلیتیکی مداوم برجسته می نماید. مذاکرات ضروری است تا از تشدید تنش ها جلوگیری شود، به ویژه با توجه به فرصت محدود دوره ۳۰ روزه و ریسک های بلندمدت برای امنیت انرژی جهانی.

پیوست شماره ۱: تحلیل بازرسی کشتی ها تحت مکانیسم ماشه و قطعنامه های مرتبط

سؤال ما در مورد اینکه آیا فعال سازی مکانیسم ماشه (Snapback Mechanism) بازرسی کشتی های ایرانی را در «دریای آزاد» (آب های بین المللی) اجباری می کند یا محدود به «بنادر اروپا و آمریکا» است، یک نکته کلیدی در تحریم های سازمان ملل علیه ایران است. برای پاسخ دقیق، بر اساس متن قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل (به ویژه قطعنامه ۱۹۲۹ از سال ۲۰۱۰، که یکی از قطعنامه های اصلی پیش از برجام است و با فعال سازی ماشه بازگردانده می شود)، و تحلیل های حقوقی مرتبط، توضیح می دهیم. این تحلیل بر پایه منابع رسمی مانند اسناد سازمان ملل و گزارش های تحلیلی (مانند از شورای روابط خارجی یا کارشناسان حقوق بین الملل) استوار است. توجه کنید که مکانیسم ماشه تحریم های پیشین (شامل قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹) را به طور کامل بازمی گرداند، بنابراین تمرکز روی این قطعنامه هاست.

۱. خلاصه کلی: اجباری بودن یا اختیاری بودن بازرسی ها

- نه کاملاً اجباری، اما اختیاری با اختیارات گسترده: قطعنامه ۱۹۲۹ (و سایر قطعنامه های مرتبط) بازرسی کشتی ها را اجباری نمی کند (یعنی هیچ کشوری ملزم نیست هر کشتی ایرانی را بازرسی کند)، اما اختیار (permission) می دهد به کشورها برای بازرسی کشتی های مشکوک در آب های بین المللی (دریای آزاد)، بنادر خود، یا حتی در آب های سرزمینی با رضایت. این اختیار برای جلوگیری از انتقال اقلام ممنوعه (مانند مواد هسته ای، موشکی، تسلیحاتی یا مرتبط با برنامه های ایران) است.
- تفاوت با اجباری بودن: «اجباری» به معنای الزام قانونی برای همه کشورها نیست؛ بلکه کشورها «می توانند» (may) اقدام کنند اگر دلایل منطقی (reasonable grounds) برای نقض تحریم ها داشته باشند. این امر ریسک را برای کشتی های ایرانی افزایش می دهد، زیرا هر کشوری (نه فقط اروپا و آمریکا) می تواند از این اختیار استفاده کند.

- **دامنه جغرافیایی:** بازرسی‌ها محدود به بنادر اروپا و آمریکا نیست؛ می‌تواند در آب‌های بین‌المللی (دریای آزاد)، بنادر هر کشوری، یا حتی در دریا با همکاری نیروی دریایی کشورها انجام شود. برای مثال، نیروی دریایی آمریکا یا ائتلاف‌های غربی (مانند در خلیج فارس) می‌توانند کشتی‌ها را در آب‌های آزاد متوقف و بازرسی کنند، اما نیاز به پروتکل‌های حقوقی (مانند اطلاع به دولت پرچم کشتی) دارد.

۲. جزئیات حقوقی از قطعنامه ۱۹۲۹

بر اساس متن رسمی قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت (پاراگراف‌های ۱۵ تا ۱۸):

- **پاراگراف ۱۵:** کشورها را فرامی‌خواند (calls upon) تا کشتی‌های دریایی یا هوایی مشکوک به حمل اقلام ممنوعه به/از ایران را بازرسی کنند، در صورتی که در آب‌های سرزمینی یا بنادر خود باشند. این بخش بیشتر به بنادر و آب‌های داخلی کشورها (مانند بنادر اروپا، آمریکا یا هر کشور دیگری) مربوط است و اختیاری است (نه اجباری).
- **پاراگراف ۱۶:** برای آب‌های بین‌المللی (دریای آزاد)، کشورها را مجاز می‌داند (authorizes) تا اگر دلایل منطقی برای نقض تحریم‌ها داشته باشند، کشتی‌ها را بازرسی کنند، اما با رضایت دولت پرچم کشتی (flag state consent). اگر رضایت داده نشود، کشور می‌تواند درخواست کند کشتی به بندری مناسب هدایت شود یا از سوخت‌رسانی به آن خودداری کند.
- **پاراگراف ۱۷:** کشورها را ملزم می‌کند (requires) تا گزارش‌هایی از بازرسی‌ها ارائه دهند، اما خود بازرسی اجباری نیست.
- **پاراگراف ۱۸:** ممنوعیت سوخت‌رسانی یا خدمات به کشتی‌های مشکوک، که می‌تواند در دریا یا بنادر اعمال شود.

در عمل:

- **در دریای آزاد:** بازرسی‌ها می‌توانند انجام شوند، اما نه به طور خودکار اجباری؛ نیاز به دلایل (مانند اطلاعات اطلاعاتی) و اغلب همکاری بین‌المللی دارد. برای مثال، نیروی دریایی آمریکا در گذشته (پیش از برجام) کشتی‌های ایرانی را در خلیج فارس یا دریای عمان متوقف کرده، اما این اقدامات بر اساس اختیار قطعنامه بوده، نه الزام.
- **در بنادر اروپا و آمریکا:** اینجا اختیارات قوی‌تر است، زیرا کشورها کنترل کامل بر بنادر خود دارند. برای مثال، اتحادیه اروپا می‌تواند کشتی‌های ایرانی را در بنادر خود (مانند روتردام یا هامبورگ) بازرسی کند، و آمریکا در بنادر خود (مانند نیویورک یا لس‌آنجلس) همین کار را می‌کند. اما این محدود به این مناطق نیست؛ هر کشوری (حتی غیرغربی) می‌تواند از این اختیار استفاده کند.
- **تفاوت با تحریم‌های یکجانبه:** تحریم‌های آمریکا (مانند OFAC) می‌تواند بازرسی‌ها را در بنادر آمریکا اجباری کند، اما ماشه این را جهانی می‌کند و به همه کشورها اجازه می‌دهد.

۳. پیامدهای عملی برای ایران پس از فعال‌سازی ماشه (۲۸ اوت ۲۰۲۵)

- **تشدید ریسک در دریای آزاد:** با بازگشت قطعنامه ۱۹۲۹، نیروی دریایی کشورها (به ویژه آمریکا، بریتانیا، فرانسه) می‌توانند کشتی‌های ایرانی را در آب‌های بین‌المللی (مانند تنگه هرمز، دریای مدیترانه یا اقیانوس هند) متوقف کنند.

این امر تجارت دریایی ایران (مانند صادرات نفت از طریق NITC یا IRISL) را مختل می‌کند، زیرا شرکت‌ها از ترس توقیف، محتاط‌تر می‌شوند. مثلاً، در دوره پیش از برجام، چندین کشتی ایرانی توقیف شدند.

- **در بنادر:** بازرسی‌ها در بنادر اروپا و آمریکا محتمل‌تر است، زیرا کنترل آسان‌تر است. اما ماشه این را به بنادر دیگر کشورها (مانند هند، چین یا حتی کشورهای آفریقایی) گسترش می‌دهد، اگرچه چین و روسیه ممکن است همکاری نکنند.

- **بار روانی و عملی:** حتی اگر اجباری نباشد، اختیار بازرسی باعث افزایش هزینه‌های بیمه (تا ۲۰٪-۳۰٪ بیشتر)، استفاده از ناوگان سایه (shadow fleet)، و کاهش حجم تجارت (تا ۱۵٪-۲۵٪ طبق گزارش‌های اقتصادی مانند از World Bank یا IMF) می‌شود. ایران تاکنون با دور زدن (مانند تغییر پرچم کشتی‌ها) کنار آمده، اما ماشه این را سخت‌تر می‌کند.

- **واکنش‌های ایران:** ایران این بازرسی‌ها را «دزدی دریایی» خوانده و تهدید به اقدامات تلافی‌جویانه (مانند بستن تنگه هرمز) کرده، که می‌تواند تنش را افزایش دهد.

۴. تحلیل استراتژیک: آیا این «سفت‌تر کردن» است؟

همان‌طور که در ویرایش قبلی اشاره شد، این بازرسی‌ها بخشی از «سفت‌تر کردن پیچ و مهره تحریم‌ها» هستند. پیش از برجام، این اختیارات وجود داشتند و پس از خروج آمریکا، تحریم‌های یکجانبه مشابهی اعمال شدند، اما ماشه آن‌ها را چندجانبه و جهانی می‌کند. این نه نوآوری است، بلکه تشدید همان مکانیسم‌های قدیمی برای کسب امتیازات بیشتر (مانند مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای). تصمیم ایران به «تن ندادن» می‌تواند با ابزارهایی مانند تقویت ناوگان داخلی یا دیپلماسی با چین/روسیه پیگیری شود، اما هزینه‌هایی مانند کاهش صادرات نفت (۱,۶ میلیون بشکه در روز) دارد.

پیوست شماره ۲: تحلیل پیامدهای تحریم‌های مکانیسم ماشه بر بنادر ایران

عبارت مورد اشاره شما به تأثیرات بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (از طریق فعال‌سازی مکانیسم ماشه و احیای قطعنامه‌های پیشین مانند ۱۹۲۹) بر بنادر ایران، به‌ویژه بندرعباس و بندر امام، می‌پردازد. این بخش از خلاصه به طور خاص به مشکلات عملیاتی، اقتصادی و استراتژیک ناشی از بازرسی‌های اجباری، محدودیت‌های بیمه، ممنوعیت سوخت‌رسانی و تأثیرات گسترده‌تر بر تجارت دریایی ایران اشاره دارد. در ادامه، این موضوع را به صورت دقیق و جامع تحلیل می‌کنم و به ابهامات موجود در متن (مانند استفاده از عبارت «بازرسی‌های اجباری») پاسخ می‌دهم.

۱. تفسیر عبارت «بازرسی‌های اجباری محموله در تأسیسات بین‌المللی»

- **ابهام در عبارت «اجباری»:** همان‌طور که در پاسخ قبلی توضیح دادم، قطعنامه ۱۹۲۹ (که با مکانیسم ماشه بازمی‌گردد) بازرسی کشتی‌ها را اجباری نمی‌کند، بلکه اختیار (authorization) می‌دهد به کشورها برای بازرسی محموله‌های مشکوک به حمل اقلام ممنوعه (مانند مواد هسته‌ای، تسلیحاتی یا موشکی) در آب‌های بین‌المللی، بنادر خود یا آب‌های سرزمینی با رضایت دولت پرچم. با این حال، در بنادر بین‌المللی (مانند بنادر کشورهای عضو سازمان ملل که به قطعنامه پایبندند)، کشورها می‌توانند بازرسی‌ها را به طور سیستماتیک‌تر

اعمال کنند، به ویژه در بنادر خودشان. این ممکن است به اشتباه به عنوان «اجباری» تفسیر شده باشد، زیرا در عمل، بنداری مانند روتردام (هلند) یا سنگاپور ممکن است برای کشتی های ایرانی یا مرتبط با ایران بازرسی های سختگیرانه ای اعمال کنند.

- **تأسیسات بین المللی:** این اصطلاح به بنادر خارجی (خارج از ایران) اشاره دارد که تحت کنترل کشورهایی هستند که به تحریم های سازمان ملل پایبندند. برای مثال، اگر یک کشتی ایرانی یا تحت پرچم دیگر (اما مرتبط با ایران) بخواهد در بندری مانند دبی، هامبورگ یا حتی بنادر چین (در صورت همکاری) پهلو بگیرد، ممکن است با بازرسی های دقیق مواجه شود. این بازرسی ها در بنادر ایران (مانند بندرعباس) اعمال نمی شوند، مگر اینکه نیروی خارجی (مانند ائتلاف دریایی) به طور غیرقانونی دخالت کند، که بعید است.

۲. پیامدهای عملی برای بنادر ایران

تحریم های ناشی از مکانیسم ماشه، به ویژه از طریق قطعنامه ۱۹۲۹، تأثیرات چندجانبه ای بر بنادر ایران (مانند بندرعباس و بندر ماهشهر) خواهند داشت. این پیامدها را به طور دقیق بررسی می کنیم:

- **تأخیرهای عملیاتی:**
 - **بازرسی های محموله:** اگرچه بازرسی ها در بنادر ایران به طور مستقیم توسط نیروهای خارجی اعمال نمی شوند، کشتی هایی که از بنادر ایران (مانند بندرعباس، که درصد زیادی از تجارت دریایی ایران را مدیریت می کند) خارج می شوند یا به آن ها وارد می شوند، ممکن است در بنادر بین المللی یا آب های آزاد با بازرسی مواجه شوند. این باعث تأخیر در زنجیره تأمین می شود، زیرا کشتی ها ممکن است ساعت ها یا روزها برای بازرسی متوقف شوند. برای مثال، گزارش های پیش از برجام (۲۰۱۵-۲۰۱۰) نشان می دهند که بازرسی ها در بنادر خلیج فارس (مانند جبل علی در امارات) باعث تأخیرهای ۳-۷ روزه در عملیات کشتی ها شده بود. [منبع: گزارش های UN Panel of Experts]
 - **کاهش کارایی بندر:** تأخیرها در بنادر خارجی به کاهش تعداد کشتی هایی که می توانند در بنادر ایران پهلو بگیرند منجر می شود، زیرا برنامه ریزی حمل و نقل مختل می شود. بندرعباس، که سالانه حدود ۱۰۰ میلیون تن محموله جابه جا می کند، ممکن است با کاهش ۱۰-۲۰٪ در حجم تجارت مواجه شود (بر اساس برآوردهای تاریخی از دوره تحریم های پیشین).
- **محدودیت های خدماتی:**
 - **خدمات بندری (رده بندی، اجاره، حمایت مالی):** تحریم ها بر اپراتورهای بندری (مانند شرکت های وابسته به سازمان بنادر و دریانوردی ایران) می توانند دسترسی به خدمات بین المللی مانند رده بندی کشتی ها (توسط مؤسسات مانند Lloyd's Register یا DNV) را محدود کنند. این مؤسسات به دلیل ترس از نقض تحریم ها، ممکن است از همکاری با ایران خودداری کنند. همچنین، اجاره تجهیزات بندری (مانند جرثقیل های

پیشرفته) یا دریافت حمایت مالی بین المللی برای توسعه زیرساخت ها (مانند فازهای توسعه بندر چابهار) دشوارتر می شود.

○ **افزایش هزینه ها:** همان طور که در خلاصه ذکر شده، در دوره های قبلی تحریم ها، هزینه های عملیاتی برای مدیران و خدمه بنادر افزایش یافت (تا ۳۰٪ در برخی موارد، طبق گزارش های IMO). این به دلیل نیاز به استفاده از واسطه ها، مسیرهای غیرمستقیم، یا تجهیزات گران تر داخلی بود.

• چالش های بیمه:

○ **عدم پوشش بیمه بین المللی:** شرکت های بیمه خارجی به دلیل تحریم ها از پوشش کشتی های ایرانی یا مرتبط با ایران خودداری می کنند. این امر ایران را مجبور به استفاده از بیمه های داخلی (مانند شرکت های بیمه ایرانی) یا گزینه های غیراستاندارد (مانند بیمه های ارائه شده توسط شرکت های کمتر شناخته شده در آسیا) می کند. این گزینه ها معمولاً گران تر و با پوشش محدودتر هستند، که ریسک مالی را برای کشتی ها و بنادر افزایش می دهد.

○ **افزایش آسیب پذیری:** بدون بیمه معتبر بین المللی، کشتی های ایرانی در صورت حوادث (مانند تصادف یا توقیف) با مشکلات حقوقی و مالی مواجه می شوند. این امر می تواند تجارت را به شدت مختل کند، به ویژه برای صادرات نفت از بندر ماهشهر.

• ممنوعیت سوخت رسانی:

○ قطعنامه ۱۹۲۹ (پاراگراف ۱۸) به کشورها اجازه می دهد از سوخت رسانی به کشتی های مشکوک به نقض تحریم ها خودداری کنند. این می تواند باعث شود کشتی های ایرانی در بنادر خارجی با مشکل سوخت مواجه شوند، که به نوبه خود هزینه های لجستیکی را افزایش می دهد (زیرا ممکن است مجبور به حمل سوخت اضافی شوند یا از مسیرهای غیرمستقیم استفاده کنند).

○ در بنادر ایران، ممنوعیت سوخت رسانی مستقیماً اعمال نمی شود، اما اگر شرکای تجاری (مانند چین یا هند) محتاط تر شوند، ممکن است عرضه سوخت به کشتی های ایرانی در مسیرهای بین المللی کاهش یابد.

• کاهش جریان تجارت:

○ بر اساس برآوردهای تاریخی (مانند گزارش های World Bank از دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵)، تحریم های سازمان ملل می توانند حجم تجارت دریایی ایران را تا ۱۵-۲۵٪ کاهش دهند. این به دلیل ترکیبی از بازرسی ها، افزایش هزینه های بیمه، و کاهش تمایل شرکای تجاری برای همکاری است.

○ بندرعباس، که مرکز اصلی صادرات غیرنفتی و واردات کالاهای اساسی است، و بندر امام، که عمدتاً برای صادرات پتروشیمی و نفت استفاده می شود، بیشترین تأثیر را خواهند دید. کاهش تجارت می تواند به کمبود کالاهای وارداتی (مانند گندم یا دارو) و کاهش درآمدهای صادراتی (مانند نفت خام و محصولات پتروشیمی) منجر شود.

۳. دیدگاه های موافق و مخالف

- دیدگاه موافق (منابع ایرانی): برخی منابع داخلی ایران استدلال می کنند که این تحریم ها می توانند به خودکفایی منجر شوند. برای مثال:
 - کاهش وابستگی به بنادر خارجی: ایران می تواند با توسعه بنادر داخلی (مانند چابهار) و تقویت ناوگان کشتیرانی داخلی (مانند IRISL) وابستگی به بنادر خارجی را کاهش دهد.
 - تقویت زیرساخت های داخلی: فشار تحریم ها ممکن است سرمایه گذاری در فناوری های بندری و کشتی سازی داخلی را تسریع کند، مانند تولید جرثقیل های بندری یا کشتی های باری.
 - با این حال، این خودکفایی به قیمت انزوای اقتصادی تمام می شود، زیرا دسترسی به بازارهای جهانی و فناوری های پیشرفته محدود می شود.

• دیدگاه مخالف (تحلیل های بین المللی):

- تحریم ها باعث افزایش هزینه های عملیاتی و کاهش رقابت پذیری بنادر ایران می شوند. برای مثال، بندرعباس در مقایسه با بنادر رقیب مانند جبل علی (امارات) جذابیت کمتری برای خطوط کشتیرانی بین المللی خواهد داشت.
- انزوای اقتصادی می تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی (GDP) منجر شود. بر اساس برآوردهای IMF، تحریم های پیشین (۲۰۱۰-۲۰۱۵) رشد اقتصادی ایران را تا ۱-۲٪ در سال کاهش داد.

۴. تحلیل استراتژیک: آیا این «سفت تر کردن پیچ و مهره» است؟

همان طور که در خلاصه و ویرایش شما اشاره شد، این تحریم ها بیشتر به تشدید فشارهای موجود می پردازند تا ایجاد محدودیت های کاملاً جدید. بنادر ایران از پیش تحت فشار تحریم های یکجانبه (به ویژه آمریکا) بوده اند، و مکانیسم ماشه این فشارها را جهانی تر می کند. تأثیرات عملی (مانند تأخیر، افزایش هزینه ها و کاهش تجارت) مشابه دوره پیش از برجام است، اما با شدت بیشتر به دلیل الزامی شدن برای همه اعضای سازمان ملل (حتی کشورهایمانند چین و روسیه که ممکن است محتاط تر شوند). این بخشی از استراتژی «سفت تر کردن پیچ و مهره» است که هدف آن وادار کردن ایران به مذاکره برای «برجام پلاس» (شامل مسائل هسته ای، موشکی و منطقه ای) است.

۵. راهکارهای احتمالی ایران

- تقویت ناوگان سایه: ایران می تواند از ناوگان سایه (shadow fleet) برای دور زدن بازرسی ها استفاده کند، مانند تغییر پرچم کشتی ها یا استفاده از مسیرهای غیرمستقیم. این روش در سال های اخیر (۲۰۲۰-۲۰۲۵) برای صادرات نفت موفق بوده، اما هزینه بر است.
- دیپلماسی با شرکا: تقویت روابط با چین و روسیه، که ممکن است بازرسی ها را نادیده بگیرند، می تواند اثرات تحریم ها را کاهش دهد. با این حال، چین ممکن است به دلیل فشارهای اقتصادی جهانی محتاط تر شود.

- **خودکفایی:** سرمایه گذاری در بنادر داخلی (مانند چابهار) و تولید تجهیزات بندری می تواند وابستگی به خارج را کاهش دهد، اما نیاز به زمان و منابع مالی دارد.
- **اقدامات تلافی جویانه:** ایران ممکن است تهدید به بستن تنگه هرمز یا افزایش حضور نظامی در خلیج فارس کند، که ریسک تنش های منطقه ای را افزایش می دهد.

۶. جمع بندی

پیامدهای تحریم های مکانیسم ماشه برای بنادر ایران شامل **تأخیرهای عملیاتی** (به دلیل بازرسی ها در بنادر خارجی یا آب های آزاد)، **افزایش هزینه ها** (به دلیل مشکلات بیمه و خدمات بندری)، و **کاهش تجارت** (تا ۱۵-۲۵٪) است. عبارت «بازرسی های اجباری» در خلاصه کمی گمراه کننده است، زیرا بازرسی ها اختیاری اند، اما در بنادر بین المللی و آب های آزاد به شدت اعمال می شوند. این فشارها بخشی از استراتژی غرب برای تشدید انزوای اقتصادی ایران است، اما ایران با تاب آوری تاریخی و ابزارهایی مانند خودکفایی و دیپلماسی می تواند مقاومت کند. با این حال، محاسبه دقیق هزینه-فایده برای تصمیم گیری استراتژیک حیاتی است.

پیوست شماره ۳: تحریم های ایران، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و مسیر ماشه

در ۷ مارس، رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ فاش کرد که به رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، آیت الله علی خامنه ای، نامه ای نوشته و پیشنهاد مذاکراتی برای حذف کامل برنامه هسته ای ایران داده است. ایران به طور علنی این پیشنهادها را رد کرده، اما پیشینه ای دارد که در آن در ظاهر گفت و گو را ممنوع کرده ولی در عمل اجازه مذاکرات پشت پرده را داده است. با این حال، دیپلماسی بین المللی در سال ۲۰۲۵ در قبال ایران به شدت با سرنوشت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل پیوند خورده است؛ زیرا هر توافق احتمالی، مستلزم لغو یا جایگزینی این قطعنامه خواهد بود. قطعنامه ۲۲۳۱ که در ژوئیه ۲۰۱۵ تصویب شد، فرآیندی موازی با برنامه جامع اقدام مشترک - برجام را نهاده شده کرد. برجام مجموعه ای غیرالزام آور از تعهدات سیاسی میان ایران و ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، آلمان، اتحادیه اروپا، چین و روسیه بود که اکنون عملاً مرده است، اما قطعنامه ۲۲۳۱ و محدودیت های آن علیه ایران همچنان از نظر حقوق بین الملل برای همه کشورهای عضو سازمان ملل لازم الاجراست.

بر اساس مفاد قطعنامه ۲۲۳۱، همه تحریم های باقی مانده سازمان ملل علیه ایران در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی می شوند، مگر اینکه پیش از آن، طرف های اصلی برجام سازوکار «ماشه» را فعال کنند یا قطعنامه جایگزینی به تصویب برسد. فعال سازی این مکانیسم، تمامی تحریم های قبلی سازمان ملل علیه ایران را بازمی گرداند. انتظار می رود پس از آن، اروپا نیز رسماً از برجام خارج شده و تحریم های کامل بانکی و انرژی علیه ایران را بازاعمال کند.

از آنجا که اگر هیچ اقدامی صورت نگیرد، تحریم های سازمان ملل منقضی خواهند شد، استفاده پیش دستانه غربیها از ماشه برای برهم زدن میز مذاکرات و واداشتن ایران و متحدانش به چانه زنی جهت رفع تحریم ها ضروری است. برای موفقیت در اجرای ماشه، زمان بندی اهمیت حیاتی دارد. از نظر تاکتیکی و برای حداکثرسازی اهرم فشار، ایالات متحده باید شرکای اروپایی خود را تشویق کند تا نهایتاً در آوریل یا مه ۲۰۲۵ این مکانیسم را فعال کنند. پس از بازگشت تحریم ها،

آمریکا باید اطمینان یابد که ساختار قدیمی تحریم های سازمان ملل به درستی احیا شود و همچنین برنامه ای برای همکاری فنی و پشتیبانی تحریم ها ایجاد و تأمین مالی کند تا ظرفیت اجرایی و تخصصی متحدان و شرکا در این زمینه تقویت شود.

پیشینه

بین سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، شورای امنیت سازمان ملل شش قطعنامه مهم درباره ایران تصویب کرد: قطعنامه های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰). این قطعنامه ها به طور جمعی و دائمی:

- ایران را از غنی سازی اورانیوم و انجام فعالیت های بازفرآوری و مرتبط با آب سنگین منع کردند؛
- آزمایش، توسعه و پرتاب موشک های بالستیک ایران را ممنوع کردند؛
- انتقال فناوری های مرتبط با هسته ای و موشکی به ایران را تحریم کردند
- انتقال تسلیحات متعارف، موشک و پهپاد به ایران و از ایران را تحریم کردند؛
- دارایی های خارجی نزدیک به ۱۰۰ فرد و نهاد ایرانی را مسدود کرده و ممنوعیت سفر بین المللی علیه آنها اعمال کردند.

UN Security Council Resolutions About Iran JINSA

JULY 31 2006	UNSC Resolution 1696 Expressed concern at the intentions of Iran's nuclear program and demanded that Iran halt all its uranium enrichment program.
DECEMBER 23 2006	UNSC Resolution 1737 Established a Security Council Sanctions Committee; imposed sanctions on Iran for failing to stop its uranium enrichment program; banned the supply of nuclear-related technology and materials; froze assets on key individuals and companies related to the enrichment program; obligated Iran to suspend work on its heavy-water reactor projects; called on Iran to ratify the IAEA's Additional Protocol; and prohibited the supply, sale, or transfer of designated nuclear and ballistic missile-related goods to Iran.
MARCH 24 2007	UNSC Resolution 1747 Imposed an arms embargo on Iran and called on Iran to take the steps outlined in Resolution 1737 to verify that its nuclear program has only peaceful purposes.
MARCH 3 2008	UNSC Resolution 1803 Required Iran to cease and desist from any and all uranium enrichment, any research and development associated with centrifuges and uranium enrichment.
SEPTEMBER 27 2008	UNSC Resolution 1835 Reaffirmed the four previous resolutions but did not outline new sanctions against Iran or new monitoring mechanisms.
JUNE 9 2010	UNSC Resolution 1929 Subjected Iran to a new inspection regime designed to detect and stop Iranian smuggling, added financial sanctions targeting Iran's ability to finance proliferation activities, and requested that the UN Secretary-General create a panel of experts to make recommendations for the improvement of measures regarding Iran.
JULY 20 2015	UNSC Resolution 2231 Endorsed the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) between Iran and the P5+1 and laid the groundwork for the Security Council to lift nuclear-related sanctions on Iran. Repealed the prior six major UNSC Resolutions on Iran.

قطعنامه ۲۲۳۱ این شش قطعنامه قبلی را لغو کرد و بخشی از محدودیت های آنها را در خود ادغام نمود، اما تاریخ های انقضای مشخصی برای هر بند تعیین کرد. به همین دلیل، تحریم های تسلیحاتی متعارف و ممنوعیت های سفر در اکتبر ۲۰۲۰

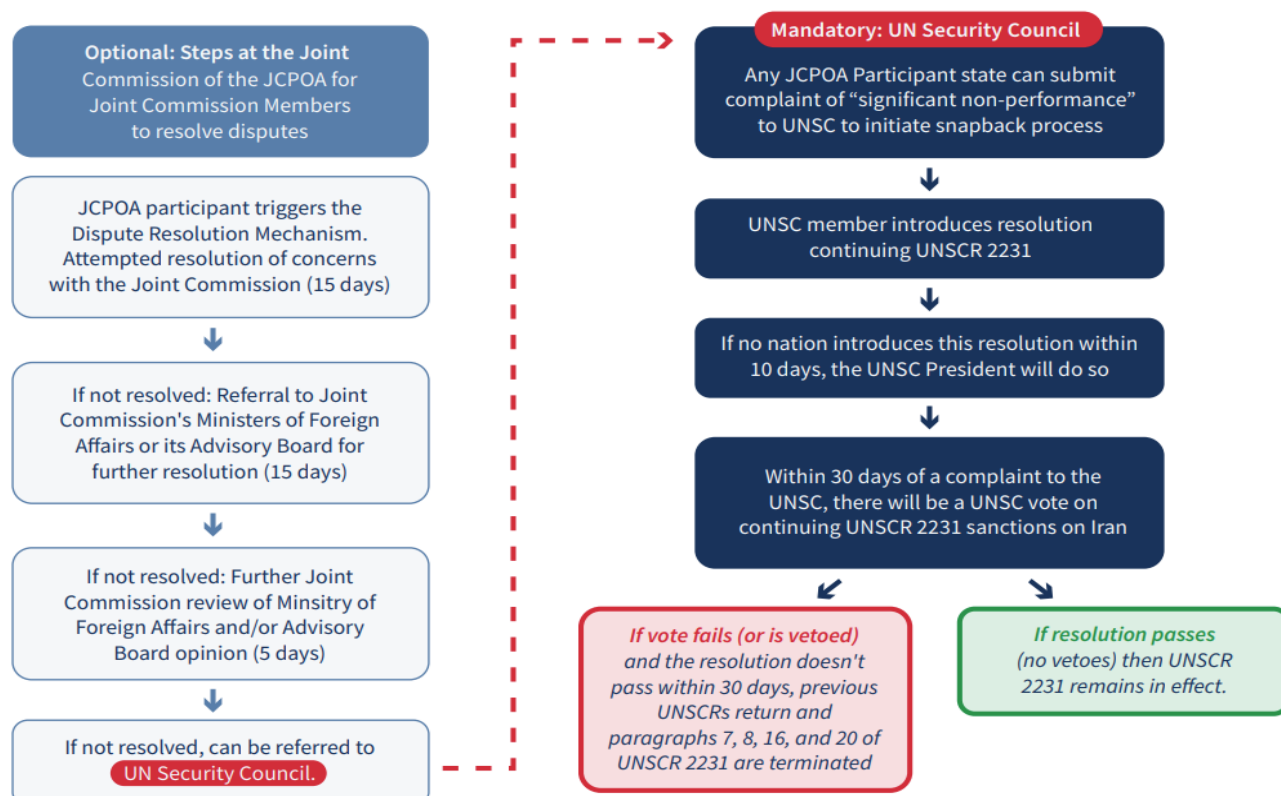
پایان یافتند و محدودیت های مربوط به انتقال موشک و پهپاد نیز در اکتبر ۲۰۲۳ خاتمه یافتند. سایر محدودیت ها و خود قطعنامه ۲۲۳۱ و در نتیجه سازوکار ماشه قرار است در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ پایان یابند.

JINSA Major UN Security Council Resolution 2231 and JCPOA Sunsets		
UNSCR 2231		JCPOA
- U.N. arms embargo expired - Select visa bans expired	OCTOBER 18 2020	
- Ballistic missile restrictions end - Ban on importing/exporting missile-related technology ends - Select visa bans expire - U.N. asset freezes expire	"Transition Day" OCTOBER 18 2023	- The EU pledges to terminate various regulations & sanctions - The U.S. pledges to seek legislation to end various statutory sanctions - Iran pledges to ratify the IAEA's Additional Protocol
	JULY 16 2024	- Limits on testing of advanced IR-6 and IR-8 centrifuges expire - Bans on production of IR-6 and IR-8 centrifuges (without rotors) expire
- UNSC 2231 expires, terminating its provisions (including "snapback") - The UNSC ends its formal consideration of Iran's nuclear program - Remaining EU economic sanctions on Iran are lifted	"Termination Day" OCTOBER 18 2025	
	JANUARY 16 2026	- Restrictions on quantity of IR-1 centrifuges are lifted - Restrictions on testing of advanced IR-6 and IR-8 centrifuges are lifted - Restrictions on production of IR-6 and IR-8 centrifuges with rotors are lifted - Procurement channel for approving Iran's nuclear-related imports is ended
	JANUARY 16 2031	- All caps on enrichment purity level expire - All caps on enriched uranium stockpile expire - New enrichment plants allowed - Plutonium reprocessing ban lifted - Heavy water reactors permitted - All caps on heavy water production/stockpiling expire
	JANUARY 16 2036	IAEA monitoring of Iranian centrifuge production facilities ends
	JANUARY 16 2041	IAEA monitoring of Iranian uranium mines and mills ends

ماشه چگونه کار می کند؟

هر یک از مشارکت کنندگان برجام که به شورای امنیت اطلاع دهد موضوعی مصداق «عدم پایبندی اساسی به تعهدات برجام» است، فرآیندی را آغاز میکند که طی ۳۰ روز باید منجر به تصویب یک قطعنامه جدید شورای امنیت برای ادامه قطعنامه ۲۲۳۱ شود؛ در غیر این صورت، این اطلاعرسانی به پایان خودکار قطعنامه ۲۲۳۱ و بازگشت تمام تحریم های پیشین سازمان ملل علیه ایران منجر میشود.

Iran Snapback Flowchart



اگر «عدم پایبندی اساسی» گزارش شود، یک کشور شریک برجام باید قطعنامه های برای حفظ ۲۲۳۱ ارائه کند. اگر هیچ کشوری چنین قطعنامه های ارائه نکند، رئیس شورای امنیت موظف است قطعنامه های جدید پیشنهاد دهد. این قطعنامه باید در شورای امنیت به تصویب برسد تا قطعنامه ۲۲۳۱ و در نتیجه رفع تحریم های ایران ادامه یابد. در غیر این صورت، در صورت شکست رأیگیری، بخش های اجرایی ۲۲۳۱ خودبه خود خاتمه یافته و شش قطعنامه قبلی مجدداً فعال میشوند. این شامل بازگشت تحریم های تسلیحات متعارف و تحریم موشک/پهپاد است که قبلاً در ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ منقضی شده بودند.

هر عضو دائم شورای امنیت مانند ایالات متحده می تواند این قطعنامه جدید را وتو کند و با این کار، صرفاً با استفاده از حق وتو، شش قطعنامه قبلی را دوباره برقرار کند، بدون نیاز به حمایت اکثریت یا دیگر اعضا.

آیا ایالات متحده می تواند ماشه را اعمال کند؟

مکانیسم ماشه در UNSCR ۲۲۳۱ مشخص می کند که شرکت کنندگان برجام (تعریف شده به عنوان ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه، چین، ایران و اتحادیه اروپا) می توانند ماشه را اعمال کنند، اما هیچ فرآیندی را مشخص نمی کند که توسط آن این کشورها این حق را از دست بدهند. ایالات متحده به طور رسمی در مه ۲۰۱۸ «مشارکت در برجام را متوقف

کرد». با این وجود، در اوت ۲۰۲۰، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه وقت، ادعا کرد که از آنجا که UNSCR ۲۲۳۱ به صراحت حق ماشه را از کشورهایی که مشارکت در برجام را متوقف کرده اند سلب نکرده است، ایالات متحده همچنان این حق را حفظ کرده است. بر این اساس، ایالات متحده سعی کرد ماشه را آغاز کند و شورای امنیت را از عدم پایبندی قابل توجه ایران به برجام مطلع ساخت.

با این حال، تمام دیگر شرکت کنندگان برجام (بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه، چین، ایران و اتحادیه اروپا) و همچنین تمام دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل این ادعا را رد کردند و اعلام کردند که ماشه initiated (آغاز شده) توسط ایالات متحده نامعتبر است. با تقسیم شورای امنیت، آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، اعلام کرد که سازمان ملل از اعمال مجدد تحریم ها حمایت نخواهد کرد زیرا اکثریت اعضای آن معتقد نبودند که ماشه به طور قانونی اعمال شده است. بر این اساس، هیچ کشور عضو دیگر سازمان ملل بر اساس ماشه اقدام اجرایی انجام نداد و این حرکت را بی اثر کرد.

رئیس جمهور بایدن در فوریه ۲۰۲۱ به طور رسمی تلاش ایالات متحده برای اجرای یکجانبه ماشه را لغو کرد، نامه های دولت ترامپ به شورای امنیت را پس گرفت و این دیدگاه را ابراز کرد که ماشه دیگر صورت نگرفته است.

بنابراین در حالی که ایالات متحده می تواند ادعای قانونی برای آغاز ماشه داشته باشد، این واقعیت که متحدان و شرکای ما این ادعا را رد کرده اند و قبلاً آن را نامعتبر اعلام کرده اند، ماشه را از اثر intended (مورد نظر) خود - مجبور کردن کشورهای عضو سازمان ملل به پایبندی به محدودیت های قبلی سازمان ملل علیه ایران و جلوگیری از انقضای آن ها - محروم می کند. بنابراین، یک ماشه تحت رهبری اروپا به شدت بر ماشه تحت رهبری ایالات متحده ترجیح داده می شود.

مهلت زمانی اجرای ماشه

اگرچه قطعنامه ۲۲۳۱ و مکانیسم ماشه آن تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ معتبر است، اما مهلت واقعی برای استفاده مؤثر از آن بسیار زودتر است. این امر به عواملی مانند مدت زمان لازم برای طی روند در شورای امنیت، نیاز به وجود ریاست مطلوب شورا و نقش ماشه در مذاکرات با ایران بستگی دارد.

ملاحظات روند سازمان ملل برای زمان بندی ماشه

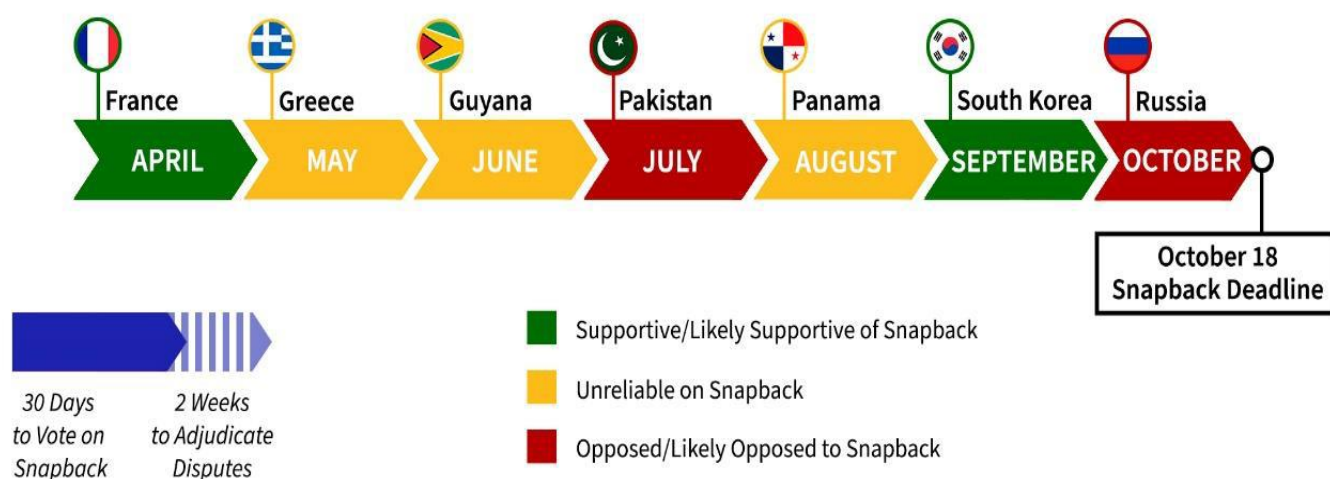
فرآیند فراخوانی ماشه و رأی گیری برای یک قطعنامه جدید برای تداوم UNSCR ۲۲۳۱ حداکثر ۳۰ روز طول می کشد. در صورتی که ماشه از نظر قانونی مورد dispute (اختلاف) قرار گیرد (همانطور که روسیه و چین احتمالاً انجام خواهند داد)، تعیین اینکه آیا ماشه اعمال شده است ممکن است یک تا دو هفته دیگر طول بکشد. این بدان معناست که، در بدترین حالت، ماشه باید شش هفته قبل از مهلت ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، یا تقریباً تا ۱ سپتامبر، فراخوانی شود تا مؤثر باشد.

این timeline (برنامه زمانی) طولانی و فرآیند به یک نتیجه گیری مهم منجر می شود: ماشه باید در دوره دو ریاست متوالی شورای امنیت که رهبران آن favorable (مساعد) به ماشه هستند، انجام شود. ریاست شورای امنیت سازمان ملل هر ماه rotate (چرخش) می کند. داشتن یک رئیس favorable شورای امنیت کمک می کند تا رویه به شیوه ای مساعد disposed of (رسیدگی) شود، و اگر فرآیند توسط روسیه و چین مورد contest (اعتراض) قرار گیرد، رئیس

حکم دهد که فرآیند ماشه معتبر است و قطعنامه های قبلی شورای امنیت سازمان ملل مجدداً برقرار شده اند. از آنجا که کل فرآیند می تواند تا شش هفته طول بکشد، داشتن روسای favorable پشت سر هم شورا، مساعدترین محیط را برای adjudicate (داوری) ماشه فراهم می کند calibrating. (تنظیم) پنجره ایده آل ماشه با این شرایط، timeline را حتی بیشتر به عقب می برد، بر اساس برنامه rotating (چرخشی) ریاست های شورای امنیت زیر.

در حالی که ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین به طور دائمی در شورا باقی می ماند، پنج کشور عضو دیگر سازمان ملل هر سال برای عضویت دو ساله به شورا می پیوندند. در حال حاضر، این کشورها الجزایر، دانمارک، اکوادور، یونان، گویان، پاکستان، پاناما، سیرالئون، اسلوونی و کره جنوبی هستند.

2025 Schedule of UNSC Presidencies



این برنامه ریاست های شورای امنیت، پنجره آوریل ۲۰۲۵ را به عنوان زمان بندی بسیار ایده آل برای وقوع ماشه با حداقل amount of pressure (فشار) لازم برای متقاعد کردن روسای respective (مربوطه) برای عمل به مؤثرترین روش جهت اطمینان از موفقیت ماشه نشان می دهد. مه و ژوئن ۲۰۲۵ بهترین پنجره های بعدی هستند قبل از اینکه رهبری و زمان بندی شورای امنیت هر دو برای موفقیت ماشه disastrous (فاجعه بار) ثابت شوند.

ملاحظات مذاکرات برای زمان بندی ماشه

زمان مورد نیاز برای طی کردن فرآیند سازمان ملل تنها ملاحظه برای مقاماتی که در مورد زمان استفاده از ابزار ماشه فکر می کنند نیست.

هرگونه مذاکره آینده با ایران بهتر است زمانی انجام شود که اقتصاد ایران تحت strain (فشار) قابل توجهی قرار دارد و نمایندگان آن در ضعیف ترین حالت خود هستند. در حالی که وضعیت کنونی - تضعیف حزب الله و فروپاشی دولت نیابتی ایران در سوریه - از

جنبه سیاسی ایده آل است، اقتصاد ایران هنوز پیامدهای شدیدی را که می توان از طریق یک کارزار طولانی تر فشار حداکثری اقتصادی به دست آورد، تجربه نکرده است.

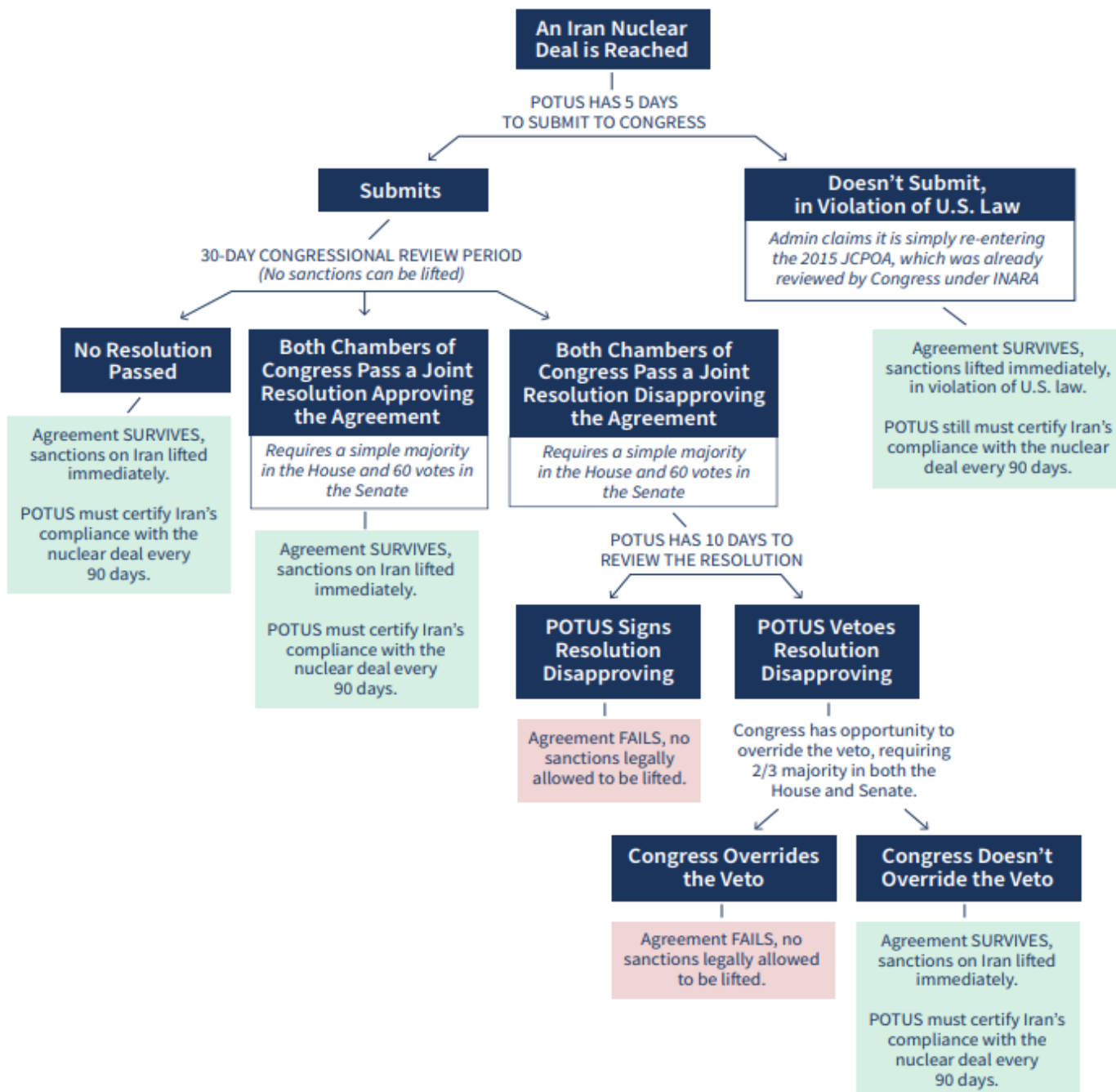
اعمال مجدد این فشار چندین ماه طول خواهد کشید و حدود یک سال زمان نیاز است تا اثرات تجمعی «فشار حداکثری» به طور کامل در اقتصاد ایران و بودجه های دولت تأثیر بگذارد. تلاش برای مذاکره مجدد و نهایی کردن یک توافق جامع هسته ای قبل از اوایل تابستان ۲۰۲۵، که آخرین زمان ممکن برای اجرای قابل اطمینان ماشه است، بعید به موفقیت بینجامد و حتی می تواند ماشه را به خطر بیندازد اگر رهبران در خط پایان تحت فشار و وعده های دروغین همکاری از سوی رهبران ایرانی و سایر رهبران خارجی سست شوند. بر این اساس، برای دولت های اروپایی بسیار بهتر است که ماشه را زودتر به کار گیرند و دیپلماسی را از چارچوب های زمانی دلخواه انقضای اکتبر ۲۲۳۱ UNSCR آزاد کنند.

متأسفانه، کشورهای اروپایی ممکن است سعی کنند از انقضای قریب الوقوع ۲۲۳۱ UNSCR برای اجبار و نتیجه گیری مذاکرات دیپلماتیک یا یک توافق بین ایالات متحده و ایران در مورد برنامه هسته ای آن استفاده کنند تا هم از انقضای اقدامات سازمان ملل جلوگیری کنند و هم از وضعیتی که قطعنامه ماشه می یابد و ایران از طریق خروج وعده داده شده از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) تلافی می کند، پیشگیری نمایند. بر اساس این منطق اروپایی، این به معنای آن است که هرگونه مذاکره با ایران و نتیجه گیری یک توافق باید قبل از مهلت استفاده مؤثر از ماشه که در اوایل تابستان ۲۰۲۵ منقضی می شود، صورت گیرد. در عوض، ایالات متحده باید به طور رسمی درخواست کند که اروپا ماشه را در دو ماه آینده، قبل از یا در حین هرگونه مذاکره، آغاز کند.

یک پیچیدگی دیگر در ملاحظات زمان بندی این است که کنگره باید ۳۰ روز فرصت داشته باشد تا هر توافق هسته ای جدید بالقوه با ایران را بررسی کند، همانطور که قانون بررسی توافق هسته ای ایران مصوب ۲۰۱۵ (INARA) الزامی می کند. کنگره این قانون را در سال ۲۰۱۵ و در حالی که JCPOA در مراحل نهایی مذاکرات بود، به تصویب رساند و پیش بینی نیرنگ از سوی قوه مجریه بود. دولت اوباما قصد خود را برای دور زدن کنگره و عدم ارائه توافق به عنوان یک معاهده روشن کرد، قانونگذاران هر دو حزب خواستار حق اظهار نظر شدند و به scale (مقیاس) تعهدات ایالات متحده تحت این توافق اشاره کردند. اکثریت قاطع کنگره - ۹۸ سناتور و ۴۰۰ عضو مجلس نمایندگان - در نهایت به تصویب INARA رأی دادند و بدین ترتیب توانایی خود را برای بررسی توافق تضمین کردند.

مهم تر اینکه، کنگره زحمت زیادی کشید تا اصطلاح «توافق» را به طور گسترده تعریف کند تا از دور زدن قانونگذاران توسط دولت اوباما جلوگیری کند. تحت INARA، «توافق» به معنای هر توافقی «مربوط به برنامه هسته ای ایران که شامل ایالات متحده باشد، ایالات متحده را متعهد به عمل کند، یا در آن ایالات متحده متعهد یا به نحوی موافقت به عمل کند، بدون توجه به شکلی که دارد» است. رئیس جمهور باید آن توافق را بدون توجه به شکلی که دارد، ارسال کند، حتی اگر فقط یک تعهد سیاسی باشد.

Requirements of Iran Nuclear Agreement Review Act (INARA)



اگر اروپا سعی کند ماشه را به عنوان پشتیبان برای تکمیل یک توافق جدید حفظ کند، این نیاز به دوره بررسی ۳۰ روزه کنگره، تاریخ مؤثر برای به دست آوردن یک توافق یا استفاده از ماشه را حتی بیشتر به جلو می برد. از آنجا که آن ها مایل خواهند بود ماشه را به عنوان یک گزینه در صورت شکست توافق در بررسی INARA حفظ کنند، این زمان باقی مانده برای مذاکرات (و پشتیبان ماشه همراه آن) را یک ماه کاهش می دهد و حتی پنجره زمانی برای مذاکرات موفق را بیشتر محدود می کند. به زبان ساده، تحت این محدودیت ها اکنون زمان کافی برای اجرای موفقیت آمیز چنین استراتژی دیپلماتیکی در دسترس نیست. به همین دلیل ترجیح داده می شود که اروپا را متقاعد کنیم ابتدا ماشه را اجرا کند و بعداً مذاکره نماید.

پیامدهای ملموس ماشه چیست؟

- ماشه، ممنوعیت های مهم و دائمی بین المللی زیر را مجدداً برقرار می کند:
- تمام فعالیت های غنی سازی و بازفرآوری هسته ای ایران یا فعالیت های مرتبط با آب سنگین، از جمله تحقیق و توسعه؛
 - تمام انتقالات به یا از ایران اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که می تواند به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازفرآوری یا فعالیت های مرتبط با آب سنگین ایران کمک کند؛
 - تمام انتقالات به یا از ایران اقلام و فناوری که می تواند به توسعه سیستم های تحویل سلاح هسته ای، مانند موشک های بالیستیک و پهپادهای برد بلند کمک کند؛ و
 - تمام انتقالات به یا از ایران تسلیحات متعارف و پیشرفته.
- ماشه، ایران را در جامعه بین المللی بیشتر منزوی می کند و هزینه های لجستیکی و تراکنشی را برای طیف گسترده ای از فعالیت ها افزایش می دهد، از جمله با:
- دستور به تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای جلوگیری از انجام یا پیشبرد فعالیت های غنی سازی هسته ای ایران در خاک آن ها یا با استفاده از کشتی ها و هواپیماهایشان؛
 - دستور به تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای جلوگیری از نقض تحریم تسلیحات متعارف و پیشرفته توسط ایران در خاک آن ها یا با استفاده از کشتی ها و هواپیماهایشان؛
 - فراخوانی تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای بازرسی تمام محموله های به و از ایران در قلمرو خود، از جمله در بنادر دریایی و فرودگاه ها، در صورت داشتن دلایل معقول برای اعتقاد به اینکه عرضه، فروش یا انتقال محموله تحت قطعنامه های شورای امنیت ممنوع است. ماشه همچنین به کشورها اجازه و تشویق می کند که در صورت وجود شبهات مشابه مبنی بر تسهیل فعالیت های ممنوعه، کشتی ها در دریاهای آزاد را بازرسی کنند و به چنین کشتی هایی سوخت، تجهیزات و خدمات را رد کنند؛
 - فراخوانی تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای ممنوعیت فعالیت های بانک ها و مؤسسات مالی ایرانی که از فعالیت های هسته ای ایران یا توسعه سیستم های تحویل هسته ای حمایت می کنند.
 - دستور به تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای اجرای ممنوعیت سفر و مسدودسازی دارایی های سازمان ملل علیه ۴۲ عامل تروریست و مقام هسته ای بدنام ایران. توجه: این شامل ۲۱ فرد باقیمانده در فهرست UNSCR ۲۲۳۱ و همچنین ۲۱ فرد دیگر در فهرست پیوست B UNSCR ۲۲۳۱ می شود که تحریم های آن ها در قطعنامه لغو شد؛ و
 - دستور به تمام کشورهای عضو سازمان ملل برای اجرای مسدودسازی دارایی ها علیه ۷۶ نهاد ایرانی درگیر در تلاش های توسعه و انتشار هسته ای رژیم. این مسدودسازی دارایی ها در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ منقضی شد اما تحت ماشه مجدداً برقرار می شود.

علاوه بر این، بریتانیا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیان کرده اند که UNSCR ۲۲۳۱ ماشه که آغاز یافت، مشارکت خود در JCPOA را متوقف خواهند کرد آن ها بعید است قبل از آن برای به خطر نینداختن توانایی خود در ماشه UNSCR ۲۲۳۱، مشارکت را متوقف کنند. این، توانایی را برای کشورهای بریتانیا و اتحادیه اروپا برای اجرای تحریم های کامل بانکی و انرژی که با JCPOA ناسازگار است، آزاد خواهد کرد.

ماشه همچنین به طور رسمی هیأت کارشناسان مهم UNSCR ۱۹۲۹ را مجدداً برقرار می کند. این هیأت که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ فعال بود، موظف بود تا اطلاعاتی را از کشورهای عضو سازمان ملل در مورد تخلفات ایران از دیگر قطعنامه های شورای امنیت جمع آوری، بررسی و تحلیل کند و به شورای امنیت سازمان ملل در مورد بهبود اقدامات تحریمی توصیه نماید. این هیأت به طور منظم یافته های خود را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش می داد و اطلاعات حیاتی در مورد فعالیت های هسته ای و تروریستی ایران ارائه می کرد. با این حال، عملیات و بودجه هیأت نیاز به تمدید سالانه توسط شورای امنیت دارد. روسیه احتمالاً تمدید بیشتر را وتو خواهد کرد، همانطور که اخیراً در مورد هیأت کارشناسان متمرکز بر کره شمالی انجام داده است، به خصوص با توجه به حمایت نظامی ایران از روسیه. ایالات متحده باید با دبیرکل سازمان ملل گوئرش و دیگر اعضای همفکر شورای امنیت بر روی راه حل های تأمین مالی بالقوه برای ادامه مأموریت هیأت کار کنند.

توصیه ها

ایالات متحده باید به طور رسمی از بریتانیا، فرانسه و آلمان (E3) درخواست کند که قبل از پایان مه ۲۰۲۵ ماشه را فراخوانی کنند، و به دنبال آن درخواست کند که بریتانیا و اتحادیه اروپا به محض اعمال مجدد تحریم های سازمان ملل، تحریم های کامل مالی، نفت و گاز علیه رژیم ایران را مجدداً اعمال کنند.

در پی ماشه، هیأت نمایندگی ایالات متحده در سازمان ملل متحد باید شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل را تحت فشار قرار دهد تا عملیات کامل هیأت کارشناسان UNSCR ۱۹۲۹ را از سر گیرند. این باید شامل تدوین استراتژی در مورد مسیرهای دیپلماتیک برای اطمینان از عدم وتوی هیأت کارشناسان توسط روسیه و چین به گونه ای باشد که سایر منافع امنیت ملی ایالات متحده، مانند حمایت از اوکراین، تایوان یا اسرائیل، قربانی نشود.

کنگره و قوه مجریه باید یک برنامه پشتیبانی فنی تحریم ها را توسعه و تأمین مالی کنند که با کشورهای شریک برای شناسایی و اخلاف در تمام موارد فرار ایران از تحریم ها همکاری کند. این برنامه مشارکتی احتمالاً شامل وزارت امور خارجه، خزانه داری و بازرگانی خواهد بود و به آموزش مأموران تحریم و انطباق خارجی، توسعه فرآیندهای اشتراک گذاری اطلاعات و پشتیبانی از هر تلاش سازمان ملل برای گسترش اجرای تحریم های تجدید شده ایران می پردازد. این پشتیبانی به ویژه برای کشورهای کوچکتر غیرعضو اتحادیه اروپا که فاقد تخصص و ظرفیت بوروکراتیک مناسب برای اجرای رژیم های تحریمی پیچیده هستند، مفید خواهد بود. اسرائیل نیز ممکن است مایل به مشارکت در تأمین مالی و / یا پشتیبانی اطلاعاتی برای این تلاش باشد.

کنگره باید از تأمین مالی قوی تیم های اجرایی تحریم های وزارت خزانه داری اطمینان حاصل کند، از جمله گسترش اختیارات استخدام مستقیم برای به کارگیری متخصصان جدید تحریم و اطمینان از اینکه آن ها در ابتکارات توقف استخدام جاری گرفتار نمی شوند.

پیامدهای استراتژیک و چالش های پیش رو:

واکنش ایران: انتظار می رود ایران در پاسخ به فعال سازی مکانیسم بازگشت سریع، اقدامات تلافی جویانه انجام دهد. این اقدامات می تواند شامل تشدید فعالیت های هسته ای مانند افزایش سطح غنی سازی، غیرفعال کردن دوربین های نظارتی آژانس بین المللی انرژی اتمی، یا خروج از NPT، افزایش حمایت از گروه های نیابتی، یا حملات سایبری باشد. جامعه بین الملل باید برای این سناریوها آماده باشد.

واکنش روسیه و چین: این دو کشور که روابط استراتژیک با ایران دارند، به احتمال زیاد تلاش خواهند کرد تا از اجرای کامل تحریم های بازگشتی جلوگیری کنند. آن ها ممکن است از وتوی خود در شورای امنیت برای مسدود کردن احیای هیأت کارشناسان استفاده کنند، به شرکت های خود برای نادیده گرفتن تحریم ها چراغ سبز نشان دهند، یا به ایران در ایجاد مسیرهای جدید برای فرار از تحریم ها کمک کنند. مهار نفوذ این دو کشور یک چالش عمده خواهد بود.

هماهنگی بین المللی: موفقیت تحریم های بازگشتی به شدت به هماهنگی و اجرای یکپارچه توسط جامعه بین المللی، به ویژه متحدان اصلی ایالات متحده و اروپا بستگی دارد. هرگونه شکاف یا تردید در اجرا، اثربخشی تحریم ها را به شدت کاهش می دهد و به ایران فرصت می دهد تا فشار را تحمل کند.

هدف نهایی: باید به وضوح تعریف شود که هدف از اعمال مجدد تحریم ها چیست. آیا هدف وادار کردن ایران به مذاکره برای یک توافق بهتر و جامع تر است؟ آیا هدف متوقف کردن غیرقابل بازگشت برنامه هسته ای ایران از طریق حداکثر فشار اقتصادی است؟ یا هدف تغییر رژیم در ایران است؟ عدم وضوح در هدف می تواند به استراتژی های متناقض و بی اثر منجر شود.

توصیه های تکمیلی و عملیاتی:

تقویت همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی: ایالات متحده و متحدانش باید از طریق دیپلماسی و پشتیبانی مالی و فنی، موقعیت و دسترسی آژانس را برای نظارت بر برنامه هسته ای ایران تقویت کنند. این امر برای مستندسازی هرگونه تخلف و ارائه مبنای قانونی برای اقدامات بعدی حیاتی است.

هدف قرار دادن شبکه های فرار از تحریم ها: وزارت خزانه داری ایالات متحده (OFAC) و هم تایان اروپایی آن باید به طور فعال شبکه های پیچیده فرار از تحریم های ایران، شامل شرکت های پوششی، نفتکش های فانتوم، و مؤسسات مالی ثالث را هدف قرار دهند. اعمال تحریم های ثانویه علیه نهادهای خارجی که به ایران کمک می کنند، می تواند بسیار مؤثر باشد.

افشاگری و جنگ اطلاعاتی: ایجاد یک کمپین هماهنگ برای افشای اقدامات تخلف آمیز ایران، نقش آن در ناپایداری منطقه ای، و روش های فرار از تحریم ها می تواند افکار عمومی جهانی را علیه رژیم ایران بسیج کند و فشار سیاسی بر کشورهایی که به همکاری با ایران ادامه می دهند، افزایش دهد.

تهیه بسته های انگیزشی مشخص: در حالی که فشار حداکثری اعمال می شود، جامعه بین الملل باید یک نقشه راه روشن و بسته های انگیزشی مشخص (مانند لغو تدریجی تحریم ها در ازای اقدامات قابل تأیید ایران) را آماده کند. این امر به ایران نشان می دهد که یک مسیر دیپلماتیک به سمت عادی سازی روابط در صورت تغییر رفتارش وجود دارد.

هماهنگی با متحدان منطقه ای: هماهنگی نزدیک با متحدان کلیدی منطقه ای مانند اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای مدیریت تلافی های احتمالی ایران و ایجاد یک جبهه متحد ضروری است. این کشورها می توانند در نظارت، اجرا و ارائه اطلاعات ارزشمند کمک کنند.

جمع‌بندی نهایی:

مکانیسم بازگشت سریع مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، آخرین اهرم قانونی مهم جامعه بین‌المللی برای اعمال فشار حداکثری بر ایران و جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای است. با نزدیک شدن به تاریخ انقضای این قطعنامه در اکتبر ۲۰۲۵، پنجره زمانی برای استفاده مؤثر از این مکانیسم به سرعت در حال بسته شدن است. موفقیت این استراتژی مستلزم اقدام قاطع و به موقع توسط متحدان اروپایی (E3)، هماهنگی بی‌عیب و نقص بین‌المللی، و آمادگی برای واکنش‌های تلافی‌جویانه ایران است. باید از اشتباهات گذشته درس گرفت و از به دام افتادن در تله مذاکرات بی‌پایان که تنها به ایران زمان می‌بخشد، اجتناب کرد. اولویت باید بر فعال‌سازی سریع مکانیسم بازگشت سریع برای اعمال مجدد تحریم‌ها باشد تا پایه‌ای برای هرگونه مذاکره آینده از موضع قدرت فراهم شود. هسته‌ای زمان ما است.

پیوست شماره ۴: لیست ارجاعات

- [0] [Iran is facing a return of UN sanctions - what happens now? - Reuters](#)
- [1] [UK, France and Germany Trigger UN «Snapback» Sanctions on Iran](#)
- [2] [What the 'snapback' trigger means for sanctions over Iran's nuclear ...](#)
- [3] [European nations start process to impose a 'snapback' of Iran ... - PBS](#)
- [4] [Are European powers pushing Iran into a corner with UN sanctions ...](#)
- [7] [How triggering snapback sanctions may deepen Iran nuclear crisis](#)
- [8] [European countries trigger snapback sanctions on Iran - The Hill](#)
- [11] [The United States Welcomes the Initiation of Snapback](#)
- [12] [Iran Sanctions Snapback at the UN | International Crisis Group](#)
- [13] [European powers trigger «snapback» sanctions against Iran - Axios](#)
- [15] [Snapback sanctions will hurt Iran's economy, but won't topple the ...](#)
- [20] [Iran Sanctions Snapback at the UN | International Crisis Group](#)
- [21] [What the 'snapback' trigger means for sanctions over Iran's nuclear ...](#)
- [23] [International sanctions against Iran - Wikipedia](#)
- [24] [Snap out of it: Europe, Iran and nuclear negotiations | ECFR](#)
- [25] [Europe Moves to Reimpose Sanctions on Iran for Nuclear Work - WSJ](#)
- [29] [European countries trigger snapback sanctions on Iran](#)
- [32] [How the Snapback Mechanism Brings Back Sanctions on Iran?](#)
- [35] [What Are 'Snapback' Sanctions On Iran? - RFE/RL](#)
- [38] [Snapback Sanctions on Iran: More Bark Than Bite?](#)
- [41] [Trigger Warning: The Consequences of Snapping Back Sanctions on Iran | Iran Watch](#)
- [42] https://jinsa.org/jinsa_report/path-to-snapback-april-2025/